

مدیر مسئول : فاطمه رضایی

سر دبیر: مریم سادات پورمسجدی

ویراستار: فاطمه جواهری مقدم

طراح و صفحه آرا: مهلا امیری



نشریه صریح

شماره سیزدهم ، بهار ۱۴۰۰ ، شماره مجوز : ۲ / ۱۰۰ / ۶۲۲ / ۵۳۲۰۰ / د

فاطمه حاج حسینی



از شما نوشتن سخت است؛ کاغذ ها خجل از سفیدی خویش، رنگشان زرد و گاهی می گردد و رسالت قلمی که خدا بر آن سوگند خورده، همین بس که از شما دم بزند.

شما آن غایب حاضری که در مقابل دیدگان نه، بلکه در عمق قلب هایی. ذخیره الهی برای سال هایی که از سال های حیرت عهد قدیم هم در آن حیران تریم و گویی در میانه میدان چون رقصندگان بسمل، سرگردانیم. شما امام زمان مایی و خاتم ائمه، که هم نام و کنیه خاتم النبیین (ص) که به راستی اگر این اعجاز نیست، پس چیست؟

کاش بفهمیم که شما ناپیدایی، نه ناپدید!

و این عیب چشمان ماست که از قساوت و گناه آکنده و از بصیرت دیدن شما خالیست. برخی در دل هر روز **شعبانی** اند.

صبرشان به بلندای قامت آرزو، دستانشان به آسمان و بر لب العجل دارند و هر روزشان نذر شماست.

اما من و تو و ما های بسیاری هستیم که سخت فراموش کاریم. اما بیا تا شروع کنیم؛ از همین امروز، اصلاً از همین حالا. ولو با یک شکر از ته دل، با یک دم فرو بستن از ادعا و یا با یک چشم پوشی. آری،

کافیست بخواهیم تا او صد قدم به راه ما گام بردارد.

سوال کنیم، پاسخ می گوید؛

غیب طلب کنیم، بال می شود بر آرزوهایمان؛ وصالش را طلب کنیم، رخ نشانمان می دهد؛

و چه بهتر از این شادمانی و عهد بستن.

اما باید طنین معهود شدنمان به او را هر روز زمزمه کنیم، تا مانا شود و مبادا این دنیای تلخ و اندوهناک، آن را از خاطرمان کم رنگ کند.

ای اصل بهار؛

ما تمام قد منتظریم...



پيامبر اکرم (ص)
علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است

احتمالا با شنیدن نام علم هسته ای، بمب هسته ای و جنگ قبل از همه وارد ذهن ما می شود، چرا که اولین بار استفاده از سلاح هسته ای، برای بمباران شهر های هیروشیما و ناگازاکی به کار رفت. این اتفاق نا مبارک حتی پس از سال ها نیز در ذهن همه باقی مانده است. البته که در های این فناوری، بر روی علم های گوناگونی گشوده است و موارد و استفاده های قابل توجهی هم دارد. فناوری هسته ای، فناوری است که بر اساس واکنش های هسته ای به وجود آمده است. در علم پزشکی؛ در حال حاضر، علاوه بر استفاده از روش های تصویربرداری، درمان بیماری های سرطانی با رادیو داروها و پرتو درمانی نیز انجام می شود.

به طور کلی، در پزشکی هسته ای، از مواد رادیوایزوتوپ برای شناسایی و تشخیص و درمان بیماری ها در سطح سلولی و مولکولی استفاده می شود. در صنعت از پرتو زایی هسته ای برای از بین بردن ویروس ها، باکتری ها و قارچ ها استفاده می شود.

تکنیک های هسته ای در حوزه دام پزشکی، موارد مصرفی چون تشخیص و درمان بیماری های دامی، تولید مثل دام، تغذیه دام، اصلاح نژاد، بهداشت و ایمن سازی محصولات دامی و خوراک دام را دارد. اولین بار از سلاح هسته ای که یکی از کاربردهای مخرب فناوری هسته ای است، در ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۴ برای بمباران دو شهر ژاپنی هیروشیما و ناگازاکی توسط آمریکا استفاده شد. پروژه ای که ساخت چنین بمبی را دنبال می کرد، پروژه منهتن نام داشت.

شمشیر، نیزه و قدرت بدنی سه عاملی است که در گذشته سبب قدرت نمایی و تفاخر هر گروه و قبیله به یکدیگر بوده است. در طول تاریخ انسان ها همیشه به دنبال برتری بر یکدیگر بوده اند که در هر قبیله، تعداد مردان قوی هیکل و زورمند تعیین کننده قدرت آن قبیله بوده است.

ذهن و فکر ابزاری است که قدرت دنیای امروزه منوط به آن است. بی شک، پیشرفت در زمینه علم و کسب دانش روز، از عهده ذهنی قوی بر می آید.

در دنیای امروز، داشتن فناوری هسته ای مانند برگ برنده ای است که قدرت و ابهت یک کشور را نشان می دهد. در طول تاریخ، انسان هایی که قدرت بیشتر و ابزار بهتری در دست داشتند، به دنبال سطله جویی بر دیگر افراد ضعیف بوده اند؛ پس برای مقابله با آنان باید قوی بود تا بتوان جلوی آنها ایستاد. هیچ انسان عاقلی شروع کننده جنگ نیست و از قدرتش که در دست دارد، سوء استفاده نمی کند اما شمشیر خود را برای مقابله احتمالی با افراد سود طلب همیشه تیز نگه می دارد.

در ایران نیز، برنامه هسته ای که در سال ۱۳۲۹ آغاز شده بود، در سال ۱۳۵۳ با تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران و امضای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر شکل جدی به خود گرفت.

داشتن فناوری هسته ای و دانشمندی در این زمینه یکی از افتخارات ما ایرانیان است؛ نخبگانی که به واسطه خورشان، علم را بالا نگه داشته اند و تا پای جان شان ایستاده اند؛ مانند شهید احمدی روشن، شهید محسن فخری زاده، شهید مسعود علی محمدی و شهید داریوش رضایی نژاد که با رسیدن به درجه شهادت، ایستادگی به پای علم و شکوه برای کشورمان را به ما نشان دادند.



دنیا جای غریبیست که آدم را به مثابه‌ی کبریتی، در آنی روشن و در چشم برهم زدنی، خاکستر می‌کند؛ چنان که زمین او را انکار می‌کند.

در این بین باید دید که آیا کبریت را کودکی نابخرد از سر هوس بر صفحه کشیده یا حکیمی عاقل برای گرمایی مطلوب و دلچسب و یا وقیحی برای تفتاندن ارواح بشر...

در این حرکت و اصطکاک جهان، آنکه شعله عشق و امید و جوانمردی و خرد کشید، بی شک نقشش بر جهان تا ابد الدهر بر عرصه اذهان و جهان خواهد ماند.

می‌گویند در این زمان که دنیا را جاه و جبروت جباران سیاست گرفته، دیگر جوانی ممکن نیست؛ ولیکن تاریخ هر آینه در سختی فرو رفت، ذات ناب جوان مسجل تر بر صخره هولناک وقایع رخ نمود... مگر جهان از یاد برده است جوانی را که در دنیای مکر و فریب عوام، در اوج جوانی، آن چنان برای دفاع از حق سینه‌ی جور را آماج جراحت کرد که جور زان پس، از هر چیزی برآمد جز جوانی که جویای نام نه، بلکه جویای رسم آن جوان، علی اکبر شد. تاریخ نفرین شده بود، اگر از جوانی نمی‌نوشت که میان دو نهر آب اربا اربا شد. اف بر روزگار اگر بگویند جوانی در حوادث میراست. مگر اینکه ندیده باشد که جوانی، آنچنان در دنیای خدعه و تغابن بر عقیده خود استوار ماند، آن چنان که از آن پس جوانی کردن را تقدس بخشید. به راستی انسان قرن ۱۴ عبرت نمی‌گیرد از این ترنم زیبای جوانی، که آن را در دست قاصدکی مهوش، به دست نسیم می‌سپرد.

جوان بداند که در این محدوده دلگشای زندگی، اگر جوان رعنا ی لیلارا چون استادی برای پوشاندن عاریه بر هوس دنیا پیش‌تاز قرار داد و هر آن برای رشد و تعالی آن گامی استوار برداشت، آنگاه جوانی کرده است؛ وگرنه که اوباش جهان خوب می‌توانند مانعی بر مسیر ازلی شدن بگذارند.

در باب اندیشه و زمان

حوزه آموزش و پرورش

فائزه کیهانی

از جمله مراتب رسیدن به کمال کمک کردن به دیگران و دستگیری از آنهاست؛ به عبارت دیگر گرفتن یک سر طناب، عین اخلاقیات است و هر کس در این مسیر گام بردارد، بازی دو سر برد را برده است. (حقیقت امر این است که قصد تیکه اندازی به برجام را نداشتیم و تنها می‌خواستیم ضرب المثل‌های کهن را زنده نگه داریم.)

از مقدمات که بگذریم و کمر ریا را هم که بشکنیم، مشکلی که امروز می‌خواهیم حل کنیم، مربوط به وزارت پرچاله چوله‌ی آموزش و پرورش می‌باشد؛ بلکه این کار باقیات الصالحات و توشه‌ای برای دنیا آخرت مان بشود. چندی است که شایعات متعددی بر سر زبان‌ها افتاده است و آن این است که کفگیر آموزش و پرورش، این سال‌ها دیگر به ته دیگ نمی‌رسد! خودمانی بگوییم، سیر صعودی معلمان بازنشسته سبب شده تا تعداد زیادی از کلاس‌های درس، بدون معلم بمانند و بالاخره برای اولین بار در تاریخ جهان، دانش‌آموزان خوشحال از نداشتن معلم، موشک‌های کاغذی خود را به پرواز در بیاورند و والدین با جگرخون، خواب و خیال‌هایی که برای فرزندانشان دیده بودند را نقش بر آب دیده و به ادامه تجمعات، زدن گروه‌ها و راه انداختن کمپین‌هایی با هشتگ "فرزندم معلم ندارد" پردازند. و اما بسته پیشنهادی ما برای حل این مشکلات، شامل راه حل‌های فلک فرسای است که به محض این که اهل فن آن را بشنوند، جملگی جامه دریده و سوت زنان سر به بیابان می‌نهند. اولین و بدیهی‌ترین راه حل، ایشار معلمان بازنشسته و ادامه خدمت آنها در سنگر معلمی شان است. در راستای این راه حل، می‌توان مانند زمان جنگ، فراخوانی زده و همه اقشار جامعه، از فارغ التحصیلان رشته‌های روانشناسی گرفته تا طلاب و منبر نشینان را روانه مدارس کنیم و بدین ترتیب صندلی‌های خالی را پر کنیم.

راه حل دائمی بعدی نیز اقتدا به طرح زوج و فرد ترافیکی و زوج و فرد کردن مدارس است؛ بدین گونه که پسران در روزهای زوج و دختران در روزهای فرد به مدرسه بروند. سپس ساعت آموزشی را از ۶ به ۸ ساعت می‌رسانیم و دانش‌آموزان را در آن ۶ ساعت باقی مانده، به دست کانون خودکار چی و سی‌دی‌های جهش می‌سپاریم تا دروس باقی مانده را فرا بگیرند و لذا توزیع معلمان و فضای آموزشی، به طور مناسب انجام می‌گیرد.

راه حل سوم هم کاهش ساعت تدریس از ۳۰ به ۲۴ ساعت است که با این کار، دیگر کمبود دبیر اصلاً احساس نمی‌شود؛ بلکه دروس اضافی همچون ریاضی، فیزیک و شیمی هم به حداقل ساعات خود رسیده و وقت دانش‌آموزان و معلمان را هدر نمی‌دهیم.

ولیکن، اگر کارد به استخوان رسید و استخوان در گلو گیر کرده، خیلی اذیت‌مان کرد، دیگر ناچاریم با اکراه، درهای دانشگاه‌های فرهنگیان را باز کرده و ظرفیت پذیرش آنها را زیاد کنیم!

تا طرح‌های آب دوغ خیاری دیگر شما را به خداوند منان می‌سپارم.

روزگارتان سبز و عمرتان دراز باد.



خال سیاه عربی



برشی از کتاب

یک ضرب المثل انگلیسی می گوید:
«کلمه ها می توانند شما را بکشند»،
حرک زائر داریم تا حرک زائر! یکی
توی کربلا می شنوی و یکی توی
بقیع؛ آن حرک ها برای این است
که سریع بروی که زیارت به بقیه
هم برسد و این حرک ها برای این
است که غربت افزایی کند.
خیلی حرف است که یکی با چوب
پر لطیف و رنگی بزند روی شانه ات،
با خنده بگوید: برو، و یکی با باطوم
و پوتین و لباس پلنگی بگوید: «حرک
زائر» و بزند زیر دوربینت.

از خدا شنیده ایم، بی واسطه یا با واسطه؛
گاهی خدا را در آسمان تصور کردیم و گاهی
بهمان گفتند: "نه! در وجودت بگرد و پیدایش کن."
گاهی شک کرده ایم به بودنش و گاهی از زلف های
سبز زمین و شبنم های مروارید نشان روی برگ ها و
برف های شلال شده روی کوه ها، چشم های باطن بین
ما برقی زده و زبان قاصرمان، الحمدلله زمزمه کرده است.
از حج و خانه ی خدا هم گاهی فقط سختی هایش را برایمان
گفته اند و گاهی هم با ذوق و چشمانی اشکی، گفته اند:
«تا نیروی نمیفهمی» و ما همانجا با لبخندی که محکم
نگاهش داشته بودیم، گفتیم: «ان شاء الله با هم میریم» و
ما منتظریم که روزی برویم تا شیرینی وصف نشدنی اش
را بفهمیم، بچشیم، "اللهم لییک" زمزمه کنیم و مرتب
صف آرزوهایمان را از اول می چینیم تا از قبل تعیین
کنیم در نگاه اول کدام بجهد روی لبمان و در آسمان شهر
خدا مثل کبوتر رهایش کنیم به نقطه ی امن اجابت.
این کتاب، اما سفر حج را به شیرینی باقلوهای یزدی و
با معجزه ی کلمات، به گونه ای بیان کرده که می توانی
چشمانت را ببندی، لباس احرام را بپوشی و هم پای پیامبر
خاتم، از سنگ های سخت کوه حرا بالا بروی و همانجا
در آسمان خیالت، دلت قنچ برود که جایی قدم گذاشته
ای که روزی رسول خدا پا نهاده است و شکاف کعبه را
با چشم دل ببینی و بگویی: «الحمد لله الذی جعلنا من
المتمسکین بولاية امیرالمؤمنین علیه السلام».
می توانی همراه نویسنده، بروی بقیع و در خفا اشک
بریزی، می توانی چشم بدوانی تا مزار حضرت مادر را
پیدا کنی و برای غریبی مادرت اشک بریزی یا همراه
سیدالشهدا بشوی و در عرفات، میانه ی بیابان، خدا را با
سلول سلول بدنت صدا بزنی.

خلاصه که اگر بخوانید، دمی نفس کشیدن، زیر آسمان
شهری که صدای موعظه های پیامبر را شنیده است،
بیشتر برایتان آرزو می شود و یک دعا به دعاهای قنوت
نمازتان، مضاف می گردد.

معرفی خداوند به دانش آموزان دبستان

و اما برای اینکه بهتر درک کنند، به دوست داشتنی خدا اشاره می کنیم؛ اینکه چقدر دوستشان دارد، نعمت هایی چون پدر و مادر، دوست و معلم به آنها داده؛ شاید دانش آموزان حال، کمی بیشتر این موضوع را درک می کنند .

شاید در این میان دانش آموزی سوال کند: آیا خدا فقط در آسمان است ؟

به عنوان یک معلم، باید پاسخی بدهیم که دانش آموزان گیج نشود... خیر خدا همیشه در کنار ماست؛ در قلب های همه ماست. وجود ما اگر پر از محبت و عشق است، از عشق خدایی نشئت گرفته است. ما او را نمی بینیم اما او ما را می بیند و هدایت می کند... خداوند دوستان دارد و برای اینکه ما دوستش بداریم، باید کارهای خوب انجام دهیم تا از ما راضی باشد ... امیدوارم راهکارهای من بتواند روزی به درک خداوند برای دانش آموزان، مفید باشد.

زینب بادپا

_خداجویی و خداشناسی، یکی از مسائل فطری بشر است؛ یعنی کشش به سوی شناخت خداوند، یکی از احساسات ذاتی و درونی است و نیاز به استدلال ندارد.

بچه ها معمولا با اندک توضیح والدین شان درمورد خداشناسی، قانع می شوند،

اما با افزایش سن، سوالات بیشتری در ذهن آنها شکل می گیرد.

به عنوان یک معلم برای اینکه خداوند را به دانش آموزان معرفی کنیم، باید دلایل روشنی داشته باشیم که ذهن کودکان درک کند. در نخستین مرحله، به نظم در جهان اشاره می کنیم و می گوئیم دانش آموزانم! فرزندانم! اینهمه زیبایی، اینهمه نظم و ظرافت، کار چه کسی می تواند باشد؟ قطعاً کار کسی است که قدرتی بسیار داشته باشد و آن کسی نیست جز خدا.

واقعیت این هست وقتی برای کودکان حادثه جدیدی اتفاق بیفتد، از علت آن سؤال می کنند و برای هر چیز تازه ای، دنبال چرایی هستند. این نشان می دهد که کودکان به خوبی، قانون علیت را با فطرتشان دریافته اند. جهان بر پایه قانون علیت است و کودک ذاتاً و فطرتاً به راحتی می تواند آن را درک کند.

استفاده از مثال علیت برای شناساندن خدا به کودک :
فکر کن در اتاقت مداد رنگی هایت و دفتر نقاشی ات هست تو برای خرید بیرون میری و وقتی برمی گردی، می بینی عه در دفترت، یه نقاشی خیلی خیلی خوشگل کشیده شده بعد نظر تو چیه؟؟ فکر میکنی این نقاشی خود به خود کشیده شده اصلاً میشه که یه نقاشی خود به خود به وجود بیاد؟

در اینجا قطعاً جواب کودک خیر است و او ممکن است که علت را به سایر اعضای خانه ربط دهد.

در اینجا می توان به او گفت:

خوب به آسمان آبی نگاه کن...

به خورشیدی که می تابد...

به درختانی که سرسبزی شان چقدر زیباست...

به گل های با طراوتی که وجود دارد نگاه کن...

می شود که این ها خود به خود به وجود بیایند؟

نه؛ همه ی این دنیای زیبا را خدا آفریده است.

ارتباط با طبیعت

رحمت خدا با مشاهده پدیده‌هایی چون بازگشت پروانه‌ها پس از پروازی طولانی، راه رفتن ضعیف گوساله پس از تولد و زنده ماندن پرندگان در زمستانی سرد، قابل درک است. قدرت خدا، در عظمت کهکشان‌ها و پیچیدگی حیات دیده می‌شود. با چنین مثال‌های دیداری می‌توان وجود خدا را برای کودک محسوس تر نمود.

استفاده از شیوه‌های بدیع

برای شناساندن خدا به کودک باید از روش‌ها و سبک‌های گوناگون بهره برد؛ سرود، شعر و دیگر روش‌هایی که برای کودک جذابیت دارد و به جای گفتار بر دیدار تأکید کند.

طرح سوال درمورد خداوند

در طرح سوال به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱- از افراط در طرح این سؤالات خودداری کنید تا دانش آموزان خسته نشوند.

۲- سؤالات را جدی طرح کنید و به دانش آموزان وقت کافی بدهید تا درباره آنها فکر کنند و سنجیده پاسخ دهند؛ سؤالی که با تمام وجود پرسیده شود و شنونده را به تفکر وا دارد.

۳- سؤالات را با متانت طرح کنید؛ گویی برای خود سؤال طرح می‌کنید؛ چرا که خود نیز در حال یادگیری هستید.

۴- انتظار نداشته باشید دانش آموزان همان پاسخی را ارائه دهند که مد نظر شماست؛

زینب عبداللہی



روش‌های دیگری نیز برای شناساندن خدا

به کودک وجود دارد

استفاده از داستان (شیوه‌ی توصیه شده در قرآن)

کودکان الفتی شیرین و باور نکردنی با داستان دارند. برخی از مشکلات بزرگ رفتاری کودکان را می‌توان با طرح داستان تغییر داد. همچنین می‌توان از داستان برای انتقال بهتر مفاهیم بهره گرفت؛ استفاده از داستان‌های دینی برای معرفی خدا به کودکان توصیه می‌شود. در طرح داستان‌های دینی، باید دقت کرد که از بیان وقایعی که مربوط به عذاب‌ها و سخت‌گیری‌های خداوند بر بندگان می‌شود، خودداری کرده و بیشتر به بازگویی داستان‌های پرداخته شود که چهره‌ای صمیمی و مهربان از پروردگار را به نمایش می‌گذارند.

محبوب خدا بودن

کودک وقتی بداند که مورد علاقه خداوند است و هدایای فراوانی از سوی خداوند، مانند پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ و... به او داده شده است، ارتباط بهتری با او برقرار می‌کند و زمینه اولیه شناخت بهتر خداوند در او شکل می‌گیرد. ضروری است که این تصور در ذهن کودک استقرار یابد که خدا او را دوست دارد و می‌خواهد او فردی شایسته و خوشبخت گردد، او دوست داشتنی، مهربان و صمیمی تر از پدر و مادر است.